

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

فرندز نکته_641



Uh, just a, uh, hearing disability.

واژه ی **disability** یعنی "معلولیت / ناتوانی".

Physical **disability** causes mental problems.

ناتوانی جسمی باعث مسائل ذهنی میشه.

Despite her **disability**, she is very confident.

علیرغم معلولیتش، خیلی از خودش مطمئنه.

I've learned to live with my **disability**.

یاد گرفته ام با معلولیتم / ناتوانی ام زندگی کنم.

There are special courses for people with **disabilities**.

دوره های خاصی برای آدمهای معلول / ناتوان وجود داره.

و میدونین که ما انواع ناتوانی ها رو داریم. مثلا **mental disability** میشه "ناتوانی ذهنی" یا

hearing disability یعنی "ناتوانی در شنیدن" یا مثلا **learning disability** یعنی

"ناتوانی در یادگیری".

اینجا هم آقای گلر متوجه مشکوک بودن چویی میشه و چویی در جواب میگه

F.R.I.E.N.D.S

S1E8_105

"Just a, uh... hearing disability."

منظورش اینه که این دم و دستگاہ بخاطر مشکل ناشنوا بودن منه.

فرندز نکته 642



واژه ی **hand** میتونه در نقش فعل هم بکار بره. یعنی "با دست چیزی رو به کسی دادن".
تعریفش رو ببین.

to give something to someone else with your hand

دوتا الگو هم داره.

(to) hand somebody something

(to) hand something to somebody

مثلا

He **handed** the teacher a pen.

یه خودکار به معلم داد.

This form must be **handed** to all employees.

F.R.I.E.N.D.S

SIES_105

این فرم باید به دست تمام کارمندان برسه. (باید تحویل تمام کارمندان داده بشه).

اینجا ریچل میگه

"Pheeb, could you maybe hand me a cracker?"

فیبی، ممکنه لطفاً به شیرینی بهم بده؟

این **cracker** به مدل شیرینی یا بیسکویت هست که از نون درست میشه و توی سریال روی میز هست، عکسشو هم میتونین توی گوگل ببینید.

یکی از کاربردهای **maybe** زمانی هست که بخوایم به صورت مودپانه چیزی رو پیشنهاد بدیم یا درخواست کنیم.

Maybe he would like to go.

شاید دلش بخواد بره. (در واقع داریم به جورایی پیشنهاد میدیم).

Maybe we should start again.

شاید باید دوباره شروع کنیم.

اینجا هم ریچل از **maybe** استفاده کرده تا درخواستش مودپانه تر باشه که خودش به الگو هست.

Could you maybe do something?

ممکنه/میشه لطفاً فلان کارو انجام بده؟

فرندز نکته 643

و باز هم ساختار **would have done** رو داریم.

"Your grandmother would have hated this."

یادتون باشه هرچایی ساختار **someone would have done something** رو دیدید یا

شنیدید میتونی تصور کنین که به جمله ای با **if** هم در انتهایش هست!

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

مثل همین جا، میتونیم این جمله رو اینجوری تصور کنیم.



Your grandmother would have hated this **if she had been alive.**

اگه مادر بزرگت زنده بود، از این اوضاع/از این شرایط/از این مدیریت و برنامه ریزی من منتظر می بود.

زمانی از I would have done something استفاده میکنیم که بخوایم در باره ی چیزی صحبت کنیم که در واقع اتفاق نیوفتاده، اما داریم تصور میکنیم که اگه فلان اتفاق می افتاد چقدر الان شرایط یا اوضاع متفاوت بود.

مثلا میگم

I would have remembered even if you hadn't emailed me.

حتی اگه بهم ایمیل نزده بودی هم یادم می موند.

یا

I wouldn't have remembered if you hadn't emailed me.

اگه بهم ایمیل نزده بودی یادم نمیومد.

مثلا بارون اومده و کار شما متوقف شده، اینجاست میتونی بگی

I would have done it.

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

انجامش میدادم. (منظورت اینه که اگه بارون نمیومد من کارو انجام میدادم.)

در واقع جمله ی اصلی اینه

I would have done it if it hadn't rained.

گفتیم که خانوم گلر به مائیکا میگه که اگه مادر بزرگت زنده بود از این مراسم و انتخاب ی من متنفر می بود.

که مائیکا اینچا به شوخی میگه

"Well, sure, what with it being her funeral and all."

یعنی البته که از این اوضاع و شرایط متنفر می بود چون مراسم ختمشبه. بدون شک مردن رو دوست نداشت.

در واقع جمله ی مائیکا اینه

"Of course she would have hated this because it is her funeral. She wouldn't like being dead."

و یادت باشه که **what with it being** رو میتونیم معادل **since** یا **as it is** بدوینیم.

که در ادامه خانوم گلر میگه

"No, I'd be hearing about 'Why didn't I get the honey-glazed ham?'"

اینچا هم از ساختار **I would be hearing** استفاده میکنه، یعنی اگه مادر بزرگ زنده بود، من در حال شنیدن این سوال بودم که چرا گوشت رون خوک تریپین شده نگرفتم؟

اینو بدون که **ham** یعنی "گوشت رون خوک". حالا وقتی **ham** رو **honey-glazed** کنیم میایم با عسل اون رو پراق و درخشانش میکنیم. عکسش توی گوگل هست و حتما یه سرچ پزنین!

فرندز نکته 644

اینچا خانوم گلر از مائیکا میپرسه

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

"Do you know what it's like to grow up with someone who is critical of every single thing you say?"

فرینال ورپ (to) grow up یعنی "بزرگ شدن / رشد کردن".



Children **grow up** so quickly!

بچه ها زود بزرگ میشن.

My daughter is in such a hurry to **grow up**.

دخترم خیلی عجله داره که بزرگ بشه.

What do you want to be when you **grow up**?

وقتی بزرگ شدی دوست داری چیکاره بشی؟

راستی، آدمی که **critical** باشه، "منتقد / پنهان جو / نکته سنج". هی دوست داره همه چی رو نقد کنه، دنبال پهونه س به همه چی گیر بده. به حرف اضافه ش هم دقت کن.

She taught me to be less **critical** of other people.

مفهومش یعنی "بهم یاد داد کمتر از بقیه انتقاد کنم."

My father is strongly **critical** of the school.

F.R.I.E.N.D.S

SiEs_105

پدرم به شدت منتقد مدرسه س.

He made some highly **critical** remarks.

اظهارات انتقادی زیادی رو بیان کرد.

Do you know what it's like **میگه** و Do you know what is **میگه** .it like

حالا خودت معنی جمله ای که خانوم گلر میگه رو حدس بزن!
در چوابش هم مانیکا میگه

"I can imagine."

فعل **imagine** یعنی "تصور کردن".

I can't **imagine** what has happened.

نمیتونم تصور کنم چه اتفاقی افتاده.

Can you **imagine** how much he paid for that car?

میتونی تصور کنی چقدر پول برای اون ماشین داده؟

You can **imagine** how angry I was!

میتونی تصور کنی چقدر عصبی بودم.

فرندز نکته 645

اینجا خانوم گلر میگه

"I'm telling you, it's a wonder your mother turned out to be the positive, life-affirming person that she is."

زمانی که میخوایم روی این موضوع تاکید کنیم که چیزی که داریم میگیریم درسته و طرف مقابل باید اونو باور کنه میتونیم از

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

I'm telling you یا I tell you یا I can tell you (استفاده کنیم و حالشو بپریم. این نکته رو قبلا داشتیم.



حالا به کاربرد خوشگل **It's a wonder** دقت کن. یعنی "عجیبه / شگفت انگیزه".

It's a wonder that it took almost ten years.

عجیبه که تقریباً ده سال طول کشید.

It's a wonder more people weren't hurt.

شگفت انگیزه که پیشتر آدمها آسیب ندیدن.

It's a wonder that he has nothing to say.

عجیبه که چیزی برای گفتن نداره.

وقتی کسری **life-affirming** باشه، "امید بخشه / دلگرم کننده س / به اطرافیان انگیزه میده".

وقتی به چیزی **life-affirming** باشه، باعث میشه شما در مورد زندگی احساس خوب و مثبتی داشته باشید.

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

It's such a **life-affirming** book.

چه کتاب امید بخشى / دلگرم کننده اى.

I just got a **life-affirming** message from Akbar.

همین الان یه پیام دلگرم کننده از اکبر آقا گرفتیم.

اینجا هم خانوم گلر داره په مائیکا میگه که باور کن، با وجود مادر پزیر گت و اخلاقش عجیبه که آخرش مادرت په این آدم مثبت و دلگرم کننده ی که هست تبدیل شده که مائیکا هم میگه

"That is a wonder."

مفهومش یعنی "اینی که میگی واقعا هم عجیبه" که میتونی همینو په ذهنت پسپاری و ارزش استفاده کنی. (البته مائیکا اینجا یه جورایی داره تیکه میندازه)

فرندز نکته _ 646



How she drove you crazy,
picking on every little detail.

اینجا مائیکا میگه

F.R.I.E.N.D.S

SIES_105

"How she drove you crazy, picking on every little detail, like your hair... for example."

میدونین که **(to) drive someone crazy** یعنی "کسی رو دیوونه کردن / رو مخ و اعصاب کسی بودن".

اینجا خانوم گل از مانیکا میپرسه که چی رو پشش می‌گتتم و مانیکا میگه "اینکه چچوری رو اعصابت بود".

نکته بعدی **(to) pick on someone/something** هست، یعنی "به کسی یا چیزی گیر دادن".

مثلا

Why are you **picking on** me?

چرا داری بهم گیر میدی؟

Stop **picking on** me!

گیر دادن به من رو پس کن!

Why don't you **pick on** someone else?

چرا به کسی دیگه گیر نمیدی؟

دقت کن که محاوره ایه!

فرندز نکته _ 647

فرینال ورپ **get at something** یعنی "به طور غیرمستقیم به چیزی اشاره کردن / با کنایه چیزی رو گفتن".

F.R.I.E.N.D.S

SiEs_105



I'm not sure I know what you're getting at.

اینجا خانوم گلر میگه

"I'm not sure I know what you're getting at."

مطمئن نیستم بدونم داری به چی اشاره میکنی (منظورت چیه / میخوای غیرمستقیم چی بهم بگی).

مثلا میتونی بگی

I can see what you're getting at.

میتونم بفهمم داری به چی اشاره میکنی / میتونم منظورت رو بفهمم / میتونم متوجه چیزی که داری به صورت غیرمستقیم میگی بشم.

What are you getting at?

یعنی آقا! منظورت چیه؛ داری غیرمستقیم با کنایه به چی اشاره میکنی؟

فرندز نکته 648

اینجا خانوم گلر از جمله ی قشنگی استفاده میکنه و میگه

"No. I think some things are better left unsaid."

نه، فکر میکنم بعضی چیزها بهتره ناگفته بمونه.

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

همین جمله رو حفظ کن!



I think some things are better left unsaid.

در کل اینو بدون که **unsaid** صغته و یه کالوکیشن خوشگل به صورت **be left unsaid** داریم. وقتی یه چیزی **left unsaid** بشه، ناگفته باقی می مونه.

Some things were better **left unsaid**.

بهتر بود بعضی چیزها ناگفته بمونه.

فرندز نکته 649



I think it's nicer when people just get along.

F.R.I.E.N.D.S

SiES_105

اينچا هم خانوم گلر ميگه

"I think it's nicer when people just get along."

فكر ميكنم وقتي آدمها با هم کنار بيان مطلوب تره / خوب تره.

وقتتي دو نفر **get along** كنن، با هم رابطه ي دوستانه دارن، با هم کنار ميان.

I hope I will **get along** with everyone.

اميدوارم پتونم با همه کنار بيام / اميدوارم پتونم با همه رابطه ي خوبي داشته باشم.

I don't **get along** well with her.

باهاش به خوبي کنار نميام.

It's impossible to **get along** with him.

کنار اومدن باهش غيرممکنه.



Love yourself and dream bigger.